

واکاوی دانش، مهارت و نگرش دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان استان فارس در زمینه حقوق شهروندی

Knowledge, skills, and attitudes of graduates of Farhangian University
about citizenship rights

Āzar Dāvoodi¹

آذر داودی^۱

Ali Shiravāni Shirī²

علی شیروانی شیرینی^۲

Zahrā Khalife³

زهرا خلیفه^۳

Abstract

Citizenship rights are a set of social and political duties of individuals towards each other that are effective in the general development and social welfare. University and school are the two fundamental centers for educating people in different human existential dimensions, including the social and political dimensions, that educate citizens and make people aware of their citizenship rights and acquire the necessary skills for active presence and participation in society. This study aimed to investigate the knowledge, skills, and attitudes of graduates of Farhangian University in citizenship rights. This research method was qualitative, using the phenomenological approach. Participants were 14 graduates of Farhangian University in Fars province who graduated from Farhangian University in 2016 and 2017, and they were selected purposefully. The data were collected through in-depth semi-structured interviews and observing the theoretical saturation rule. Individuals' activities in social and political affairs were the criteria for selecting participants. Based on the research findings, 214 initial

چکیده

حقوق شهروندی، مجموعه‌ای از تکالیف اجتماعی و سیاسی افراد جامعه در قبال یکدیگر می‌باشد که در توسعه و رفاه اجتماعی همگان موثر است. دانشگاه و مدرسه، دو مرکز اساسی برای تربیت افراد در ابعاد مختلف وجودی انسان و از آن جمله بعد اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شوند که تربیت شهروندی و آگاهی افراد از حقوق شهروندی خویش و دستیابی به مهارت‌های لازم برای حضور فعال و مشارکت‌جویانه در جامعه، از خلال این نوع تربیت می‌گذرد. هدف این پژوهش، واکاوی دانش، مهارت و نگرش دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان استان فارس در زمینه حقوق شهروندی بوده است. با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه، رویکرد این پژوهش کیفی می‌باشد و از روش پدیدارشناسی استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، ۱۴ نفر از دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان سطح استان فارس بودند که در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ از دانشگاه فرهنگیان فارغ‌التحصیل شده بودند و به شیوه هدفمند انتخاب شدند. داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۹

a_davoodi_36@yahoo.com

۱. استادیار، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

ali_shiravani@cfu.ac.ir

۲. استادیار، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

zahra.khalife9768@gmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

Received: 2021-12-10

Accepted: 2022-03-02

1. PhD, Farhangian University, Tehran, Iran.

a_davoodi_36@yahoo.com

2. PhD, Farhangian University, Tehran, Iran Corresponding Author, E-mail: ali_shiravani@cfu.ac.ir

3. MA from Farhangian University, Teacher at Fourth Educational District of Shiraz, Shiraz, Iran.

zahra.khalife9768@gmail.com

concepts were obtained, which were classified into six categories with the central topic. The mentioned topics included: 1- Opportunities due to recognizing citizenship rights 2- Disadvantages due to not recognizing citizenship rights 3- Growth of creativity and initiative 4- Skills of reviewing issues and facing challenges 5- Membership in the groups and organizations 6. Participation in political affairs is divided into three categories: knowledge, skills, and citizenship rights attitudes. The results showed that the graduates need to review and resolve ambiguities in political attitudes, despite significant knowledge and skills in citizenship rights.

Keywords: Knowledge, Attitude, Skill, Citizenship Rights, Graduates of Farhangian University, Phenomenology.

نیمه‌ساختاریافته عمیق و با رعایت قاعده اشباع نظری گردآوری شد. فعالیت افراد در امور اجتماعی و سیاسی، ملاک انتخاب مشارکت‌کنندگان بود. براساس یافته‌های پژوهش، ۲۱۴ مفهوم اولیه به دست آمد که در ۶ طبقه با عنوان مضمون اصلی دسته‌بندی شدند. مضامین مذکور عبارتند از: ۱- فرصت‌های ناشی از شناخت حقوق شهروندی ۲- آسیب‌های ناشی از عدم شناخت حقوق شهروندی ۳- رشد خلاقیت و ابتکار ۴- مهارت نقد و بررسی مسایل و رویارویی با چالش‌ها ۵- عضویت در گروه‌ها و تشکل‌ها ۶- مشارکت در امور سیاسی است که در سه مقوله دانش، مهارت و نگرش حقوق شهروندی قرار گرفتند. نتایج این پژوهش نشان داد که دانش‌آموختگان با وجود دانش و مهارت‌های قابل توجه در زمینه حقوق شهروندی، در نگرش سیاسی نیازمند بازبینی و رفع ابهامات هستند. **واژگان کلیدی:** دانش، نگرش، مهارت، حقوق شهروندی، دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان، پدیدارشناسی

مقدمه

تربیت سیاسی و اجتماعی، یکی از مهم‌ترین ساحت‌های تربیت رسمی و عمومی و از جمله اهداف هر برنامه‌ی تربیتی و آموزشی است. از خلال این بعد از تربیت است که فراگیران به حقوق شهروندی خود آشنا شده و آگاهی، دانش و مهارت لازم برای زندگی در جامعه را فرا می‌گیرند. (Schugurensky (2005 معتقد است که رویکردهای فلسفی، جامعه‌شناختی، حقوقی و آموزشی متعددی در تلاش برای پاسخ به این سوال وجود دارد که شهروندی چیست؟ وی معتقد است شهروندی، مفهومی پویا، وابسته به زمینه، بحث‌انگیز و چندبعدی است. پویایی مفهوم شهروندی بدین خاطر است که تعاریف، برداشت‌ها و ویژگی‌های شهروندی در طول تاریخ متغیر بوده و وابسته به زمینه است؛ زیرا در هر زمانی، تفاسیر و دلالت‌های مختلفی در جوامع گوناگون داشته است. بحث‌انگیزی است به این دلیل که در هر زمان و مکانی در خصوص اینکه شهروندی چیست؟ اختلاف نظر وجود دارد و در نهایت شهروندی مفهومی چند بعدی است، زیرا دست‌کم متضمن چهار بعد متفاوت است: منزلت یا پایگاه^۱، هویت^۲، فضایل مدنی^۳ و عاملیت^۴ (روشنی‌پسند، ۱۳۹۳).

(Sears & Hebert (2005 ابعاد شهروندی را عبارت از بعد مدنی شهروندی، بعد سیاسی شهروندی، بعد اجتماعی – اقتصادی شهروندی، و بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی

-
1. status
 2. identity
 3. civic virtues
 4. agency

می‌دانند. در بعد مدنی شهروندی، ارزش‌های اساسی جامعه، حدود تصمیم‌گیری‌های دولتی در ارتباط با افراد شهروند، حقوق و تعاملات گروه‌های ویژه و ذینفع را مشخص می‌کند. بعد مدنی شهروندی، عواملی نظیر آزادی در گفتار، برابری در مقابل قانون، آزادی در تعاملات و ارتباطات به معنای عام و همچنین جریان آزادانه دسترسی به اطلاعات را شامل می‌گردد. بعد سیاسی شهروندی مرتبط با مسائل حق رأی و مشارکت سیاسی شهروندان است. بعد اجتماعی - اقتصادی شهروندی، به ارتباط بین افراد در یک موقعیت اجتماعی و نیز مشارکت در یک فضای باز سیاسی اشاره دارد. بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی، به شیوه‌ای از فرایند گسترش تنوع فرهنگی اشاره می‌کنند که با موضوعاتی نظیر توانایی پذیرش فرهنگ‌های دیگر، مهاجرت جهانی، افزایش تحرک و تغییرپذیری همراه است (فتحی واجارگاه و واحدچوکده، ۱۳۸۸).

Barker (2000) بر این باور است که شهروندی با حقوق انسانی در زندگی اجتماعی پیوند خورده است. شهروندی، وظایف و مسئولیت‌ها را بین افراد جامعه توزیع می‌کند و در نهایت امکان مشارکت افراد در فعل و انفعالات اجتماعی را فراهم می‌سازد. شهروندی نوعی التزام به قوانین مدنی و تعلقات اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که مرز جغرافیایی و سیاسی در محدوده یک کشور دارد و بر ضوابط و حقوق دولت. ملت تاکید می‌کند (میر، ۱۳۹۲). تقسیم‌بندی (Marshall (1950)، تاکنون مهم‌ترین و پرمراجعه‌ترین تقسیم‌بندی و شاخص‌سازی در این زمینه بوده است. او حقوق شهروندی را در بردارنده سه نوع حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی می‌داند.

الف. حقوق مدنی: حقوق مدنی شامل حقوق مربوط به آزادی، حقوق مربوط به مساوات و حقوق مربوط به مصونیت افراد می‌شود. حقوق مربوط به آزادی شامل این موارد است:

- آزادی عملکرد فردی مانند آزادی انتخاب مسکن و محل سکونت، آزادی مکاتبات و آزادی رفت و آمد
- آزادی اندیشه مانند آزادی عقیده، آزادی مذهب، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی آموزش و پرورش
- آزادی گردهمایی مانند آزادی تجمعات موقتی
- آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی مانند آزادی مالکیت، آزادی بازرگانی و صنعتی، آزادی کار، و آزادی سندیکایی.

حقوق مربوط به مساوات شامل مساوات در مقابل قانون، مساوات در مقابل دادگاه‌ها، مساوات در پرداخت مالیات، مساوات از لحاظ اشتغال به مشاغل دولتی و مساوات در خدمت نظام وظیفه است (زارع چهارراهی، ۱۳۹۳).

ب. حقوق سیاسی: حقوق سیاسی، حقوقی است که به موجب آن، شخص دارنده حق می‌تواند در حاکمیت ملی خود شرکت کند. مهم‌ترین حقوق سیاسی عبارتند از: حق شرکت در انتخابات، حق انتخاب شدن در مشاغل سیاسی، حق دارا بودن تابعیت (سعدی، ۱۳۹۵).

ج. حقوق اجتماعی: این حقوق، به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت و یا به عبارت دیگر، به خدمات رفاهی مربوط می‌شود. این حقوق شامل موارد ذیل است:

- حمایت‌های مادی و درآمدی مانند تامین مسکن، تامین شغل، پرداخت حقوق و مزایای کافی، برخورداری از حداقل دستمزد، تامین اجتماعی
- برخورداری از آموزش و پرورش رایگان
- برخورداری از بهداشت و درمان، مانند برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی و برخورداری از بیمه‌های درمانی همگانی
- حمایت‌های قضایی، مانند حق برخورداری از وکیل و حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه (رشیدی‌زاده، ۱۳۹۵).

پس از آشنایی با مفهوم و ابعاد شهروندی و حقوق شهروندی، و به بهانه بستر انجام این پژوهش، ضرورت دارد به این نکته توجه شود که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به عنوان بالاترین مرکز اندیشه‌ورزی و تولید علم در جامعه محسوب شده و با حضور و فعالیت اندیشمندان، متفکران، محققان، دانش‌پژوهان و دانشجویان، در اعتلای علمی و جهت بخشیدن به حرکت‌های فکری، اعتقادی، فرهنگی و سیاسی جامعه نقش اساسی دارند (شاخص‌های ارزیابی آموزش عالی در نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳؛ به نقل از رضائی و همکاران، ۱۳۹۲). مدرسه نیز یک نهاد اجتماعی است که در تکوین شخصیت اجتماعی فرد بسیار مؤثر است، زیرا در این مکان است که کودک و نوجوان راه و رسم زندگی و طرز معاشرت با دیگران را یاد می‌گیرد و نیز مدرسه است که چگونگی انجام دادن فعالیت‌هایی معین و کیفیت همکاری یا رقابت در فعالیت‌ها را به وی می‌دهد. از طرفی،

ضرورت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی عصر حاضر، موضوع شهروندی را به یکی از مهمترین زمینه‌های تصمیم و عمل در نظام آموزش و پرورش تبدیل کرده است (فزونی شره‌جینی و همکاران، ۱۳۹۵). در همین راستا، رشیدی‌زاده (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «بررسی رابطه آگاهی از حقوق شهروندی و اعتماد اجتماعی با انجام تکالیف شهروندی» به این نتیجه رسید که با افزایش آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و ارتقای اعتماد اجتماعی آن‌ها، می‌توان انجام تکالیف شهروندی را در بین مردم افزایش داد و از این طریق به رفع مسایل مهم اجتماعی پاسخ مثبت داد.

بنابراین دانشگاه و مدرسه، دو مرکز اساسی برای تربیت افراد در ابعاد مختلف وجودی انسان و از آن جمله بعد اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شوند. تربیت شهروندی و آشنایی و آگاهی افراد از حق و حقوق شهروندی و زندگی اجتماعی خود و دستیابی به مهارت‌های لازم برای حضور فعال و مشارکت‌جویانه در جامعه، از خلال این نوع تربیت، بهتر به ثمر می‌نشیند. چنان‌که عبداللهی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق و وظایف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن» دریافت که میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی کمی بالاتر از سطح متوسط ولی در زمینه وظایف شهروندی آن‌ها پایین‌تر از سطح متوسط است و رسانه‌های جمعی، وضعیت تأهل، سن، و تحصیلات مادر از متغیرهای اثرگذار هستند. لذا بهره‌مندی از تربیت اجتماعی و سیاسی و داشتن دانش لازم و کافی از حقوق شهروندی خود، از اهداف تربیت شهروندی به شمار می‌رود. از این رو، آموزش عالی و مقدم بر آن، آموزش و پرورش مکلف هستند با فراهم آوردن بسترهای آموزشی لازم و فرهنگ‌سازی مناسب، زمینه افزایش این آگاهی را فراهم سازند. این الزام و ضرورت از آنجا منشا می‌گیرد که آشنایی با حقوق شهروندی، زمینه مناسب را برای یک شهروند خوب بودن و برقراری نظم و امنیت در جامعه فراهم می‌سازد. به منظور آموزش برای شهروندی فعال، به یک استراتژی نیاز داریم که آموزش رسمی شهروندی را به یک فرایند آموزشی غیر رسمی برای تمام طول زندگی تبدیل کند و این فرهنگ‌سازی آموزشی، برای توسعه شهروندی فعال لازم و ضروری است (منافی شرف‌آباد و همکاران، ۱۳۹۲).

در حال حاضر، دانشگاه فرهنگیان، جایگاه و رسالت ارزنده‌ای در نظام تعلیم و تربیت کشور دارد و در چارچوب مسئولیت‌های خطیری که بر عهده دارد، ضرورت آگاه‌سازی

دانشجویان از حقوق شهروندی و نیز تکالیف و قوانین آن، امری اساسی است که باید از طریق آموزش و برنامه‌های آموزشی به آن توجه شود و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی برای پیشبرد بهتر اهداف، سنجیده شود. در این خصوص، دانشگاه فرهنگیان چند سالی است که در تربیت و پرورش دانشجو معلمان، بازنگری‌های لازم را انجام داده است و در دروسی همچون فلسفه تربیتی اسلام و اسناد و قوانین آموزش و پرورش، به مبانی نظری تحول بنیادین در جمهوری اسلامی و ساحت‌های تربیت که یکی از آن ساحت‌ها ساحت تربیت سیاسی و اجتماعی است، به عنوان منبع درسی توجه خاص می‌شود. بر این اساس و از یک سو، با توجه به اینکه حقوق شهروندی از موضوعات اساسی مرتبط با کیفیت زندگی اجتماعی انسان‌ها در عصر جدید می‌باشد و از طرف دیگر، با عنایت به جایگاه و رسالت ارزنده‌ای که دانشگاه فرهنگیان در نظام تعلیم و تربیت کشور دارد، توجه به تجارب حقوق شهروندی دانش‌آموختگان این دانشگاه می‌تواند برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری را برای پرورش هر چه بهتر معلمان آینده کشورمان رقم بزند. بنابراین، این پژوهش به دنبال آن بوده است که دانش، نگرش، و مهارت دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان را که همان معلمان تازه‌کار هستند، در زمینه حقوق شهروندی مورد بررسی قرار داده و به سوالات زیر پاسخ دهد:

۱. دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان در زمینه حقوق شهروندی چه دانش‌هایی دارند؟
۲. دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان در زمینه حقوق شهروندی چه نگرش‌هایی دارند؟
۳. دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان در زمینه حقوق شهروندی چه مهارت‌هایی دارند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی می‌باشد و با رویکردی کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی انجام شده است. با توجه به اینکه پدیده‌ی مورد مطالعه در این پژوهش، تجارب انسانی می‌باشد و پژوهشگر درصدد بررسی تجارب حقوق شهروندی دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان فارس در سه حیطه‌ی دانش، نگرش و مهارت بوده است، روش پدیدارشناسی به عنوان روشی مناسب برای انجام مطالعه انتخاب گردید. مشارکت‌کنندگان بالقوه در این پژوهش، تمام دانش‌آموختگان دانشگاه‌های فرهنگیان سطح استان بودند که در سال‌های ۹۱ و ۹۲ به آن دانشگاه‌ها وارد و در سال‌های ۹۵ و

۹۶ فارغ‌التحصیل شده بودند. پژوهشگر جهت دستیابی به تجارب دانش‌آموختگان از حقوق شهروندی اقدام به نمونه‌گیری غیرتصادفی و هدفمند نمود. فعالیت افراد در امور اجتماعی و سیاسی، ملاک انتخاب مشارکت‌کنندگان بود. بر این اساس، نمونه‌گیری با اولین مشارکت‌کننده آغاز و تا انتخاب چهاردهمین نفر از دانش‌آموختگان که اشباع داده‌ها صورت گرفت، ادامه یافت.

روش جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه عمیق بود. در این پژوهش برای هر کدام از حیطه‌های پژوهش یعنی دانش، مهارت و نگرش، دو سوال منظور شد؛ بدین صورت که برای حیطه دانش، سوال اول و دوم مصاحبه؛ برای حیطه مهارت، سوال سوم و پنجم مصاحبه؛ و برای حیطه نگرش، سوال چهارم و ششم طرح شدند. اما همان طور که می‌دانیم، ماهیت علوم انسانی چنین است که هر شش سوال یا به عبارتی هر سه حیطه، با هم همپوشانی دارند. در حقیقت، نمی‌توان این حیطه‌ها را از هم تفکیک نمود چون ماهیتی در هم تنیده دارند ولی به منظور دقت بیشتر، این حیطه‌ها به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفت. مصاحبه‌ها به طور کامل ضبط گردید. پس از ضبط، مصاحبه‌ها بر روی کاغذ پیاده شد تا کدگذاری داده‌ها بهتر انجام پذیرد. سپس سطر به سطر واکاوی شد و مفاهیم اولیه به صورت کد استخراج گردید. پس از استخراج کدهای اولیه، محقق کدهای مشابه با یکدیگر را ادغام و آنها را در یک گروه قرار داد و برای هر طبقه یا گروه، نامی را که معرف کدهای قرار گرفته در آن طبقه بود، انتخاب نمود. بدین ترتیب با تشکیل طبقه‌بندی، مضامین اصلی مطالعه استخراج گردید.

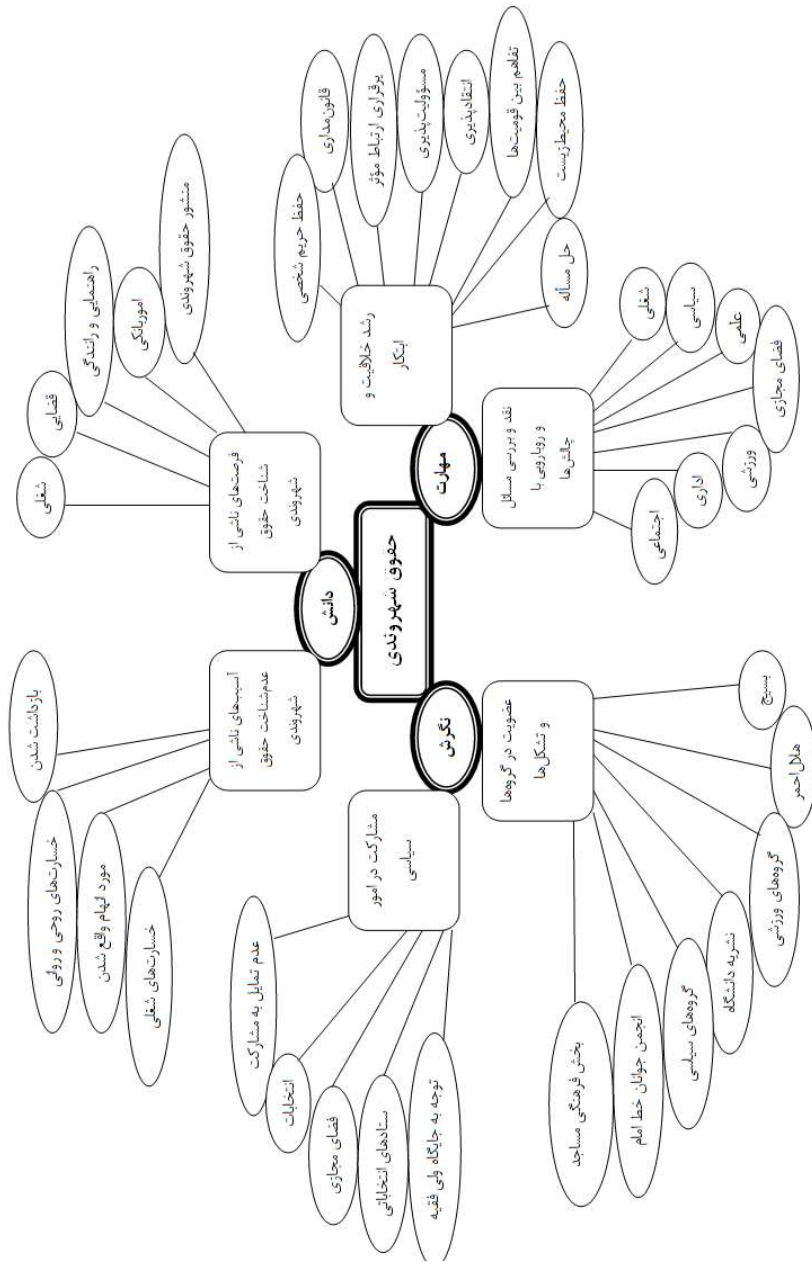
تجزیه و تحلیل داده‌ها، با رویکردی تحلیلی و با استفاده از روش مقایسه‌ای مستمر داده‌ها انجام شد. در این روش، برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی، از دسته‌بندی الگویی کدگذاری با مقایسه همزمان تمام واحدهای معنی استفاده می‌شود. برای اطمینان از صحت و پایایی تحقیق، متن مصاحبه‌ها و مفاهیم استخراج شده از آنها به شرکت‌کنندگان بازگردانده شد تا مورد بازنگری قرار گیرد. علاوه بر محقق، اساتید راهنما و مشاور و ۳ تن از اساتید متخصص در این زمینه، مفاهیم را مورد بازنگری قرار دادند که تا حدود ۹۰ درصد در مورد مفاهیم اتفاق نظر وجود داشت. همچنین نتایج این مطالعه در اختیار دیگر دانش‌آموختگان قرار گرفت که آنها نیز با توجه به تجارب خود، این نتایج را تایید کردند.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان

محل خدمت	دانشگاه محل تحصیل	ورودی	رشته تحصیلی
علامرودشت	شهید باهنر	۹۱	دبیری تربیت بدنی
ناحیه ۴ شیراز	شهید باهنر	۹۲	آموزش ابتدایی
کامفیروز	شهید مطهری	۹۱	آموزش ابتدایی
بوانات	شهید باهنر	۹۲	دبیری تربیت بدنی
علامرودشت	شهید بهشتی	۹۱	آموزش ابتدایی
خرامه	شهید باهنر	۹۲	دبیری الهیات و معارف اسلامی
کامفیروز	شهید مطهری	۹۱	آموزش ابتدایی
علامرودشت	شهید باهنر	۹۱	دبیری علوم اجتماعی
کامفیروز	شهید مطهری	۹۱	آموزش ابتدایی
علامرودشت	شهید رجایی	۹۲	آموزش ابتدایی
گراش	شهید رجایی	۹۲	آموزش ابتدایی
سعادت شهر	شهید باهنر	۹۱	آموزش ابتدایی
مهر	شهید باهنر	۹۲	دبیری الهیات و معارف اسلامی
عشایری سیار	شهید بهشتی	۹۱	آموزش ابتدایی

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، بعد از حذف کدهای مشترک، به طور کلی ۲۱۴ کد مفهومی که بیانگر تجارب زیسته دانش‌آموختگان در زمینه دانش، نگرش و مهارت حقوق شهروندی بود، استخراج شد. این مفاهیم در ۳۶ مضمون فرعی و سپس در ۶ طبقه با عنوان مضمون اصلی دسته‌بندی شدند که عبارتند از: ۱- فرصت‌های ناشی از شناخت حقوق شهروندی ۲- آسیب‌های ناشی از عدم شناخت حقوق شهروندی ۳- رشد خلاقیت و ابتکار ۴- مهارت نقد و بررسی مسایل و رویارویی با چالش‌ها ۵- عضویت در گروه‌ها و تشکل‌ها ۶- مشارکت در امور سیاسی است. مضامین اصلی در ۳ مقوله دانش، مهارت و نگرش حقوق شهروندی قرار گرفتند که در شکل ۱ نشان داده شده است.



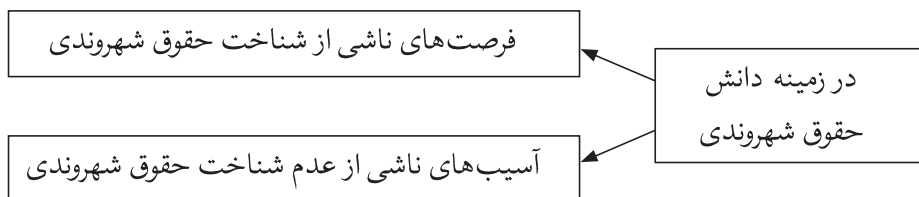
شکل ۱. شبکه مضامین (مؤلفین)

همان طور که در بالا اشاره شد، بعد از حذف کدهای مشترک، به طور کلی ۲۱۴ کد مفهومی که بیانگر تجارب زیسته دانش‌آموختگان در زمینه حقوق شهروندی بود، استخراج شد.

سپس با توجه به سؤالات پژوهش دسته‌بندی‌های لازم صورت گرفت که در ادامه به ذکر نتایج پرداخته می‌شود.

سؤال اول پژوهش: دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان در زمینه حقوق شهروندی چه دانش‌هایی دارند؟

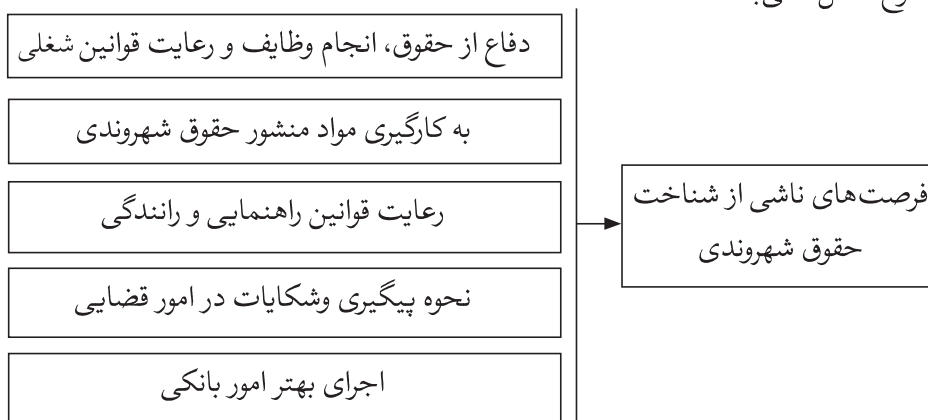
برای پاسخ به سؤال اول پژوهش، از ۲ سؤال مصاحبه با این مضمون استفاده شد: "خاطره‌ای را تعریف کنید که نشان دهد دانش و آگاهی‌تان از حقوق شهروندی، به شما در یک موضوع یا اتفاق کمک کرده است" و همچنین "خاطره یا تجربه‌ای را بیان کنید که نشان دهد عدم آگاهی‌تان از حقوق شهروندی در یک موقعیت، به شما ضرر رسانده و آسیب‌زده است". یافته‌های پژوهش در این بخش، در ۲ مؤلفه اصلی فرصت‌ها و آسیب‌های ناشی از شناخت یا عدم شناخت حقوق شهروندی دسته‌بندی گردیدند که در شکل ۲ نشان داده شده است:



شکل ۲. دانش حقوق شهروندی (مؤلفین)

۱. فرصت‌های ناشی از شناخت حقوق شهروندی

مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها در این مضمون اصلی دارای ۵ مضمون فرعی به شرح شکل ۳ می‌باشد:

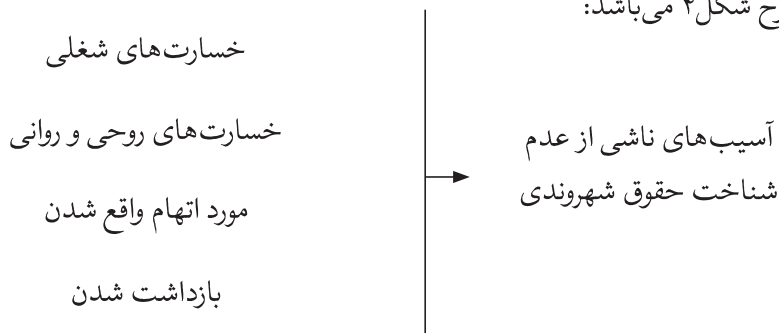


شکل ۳. فرصت‌های ناشی از شناخت حقوق شهروندی (مؤلفین)

در بخش فرصت‌ها، نتایج مصاحبه‌ها نشان داد که مواردی چون: شناخت مواد منشور حقوق شهروندی و دانش نسبت به وظایف کاری خود، شناخت قوانین موجود، انجام وظیفه در چارچوب کاری، اطلاع و احترام به حقوق دیگران، به‌کارگیری سخنان منطقی و مستدل، و انتقادپذیری از جمله آگاهی‌های افراد نسبت به حقوق شهروندی بوده است که در مواد مختلف به آن‌ها یاری رسانده است. در حقیقت، شناخت دانش آموختگان بیشتر در زمینه قوانین، حقوق و وظایف خود در حرفه معلمی بوده است. تعدادی هم به شناخت خود در زمینه قوانین راهنمایی و رانندگی اشاره کرده‌اند. برخی دیگر از موارد منشور حقوق شهروندی در ارتباط با شورای شهر، اصناف، آبفا و... اطلاع داشته‌اند. همچنین از نحوه شکایت یا پیگیری قضایی در شرایط و موقعیت‌های لازم شناخت داشته و توانسته‌اند به خوبی از حق خود دفاع کنند.

۲. آسیب‌های ناشی از عدم شناخت حقوق شهروندی

مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها در این مضمون اصلی، دارای ۴ مضمون فرعی به شرح شکل ۴ می‌باشد:



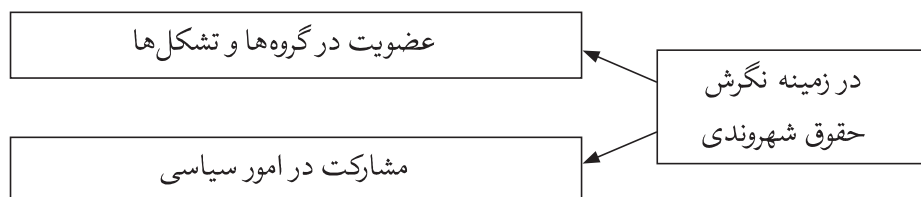
شکل ۴. آسیب‌های ناشی از عدم شناخت حقوق شهروندی (مؤلفین)

در این قسمت، نتایج مصاحبه‌ها نشان داد که مواردی چون: عدم اطلاع از قوانین موجود، عدم اطلاع از حقوق خود، عدم توانایی دفاع از حق خود، عدم رعایت حقوق دیگران، و عدم توانایی مقابله با متخلف، از جمله موارد عدم شناخت بوده است که در یک موقعیت، به فرد ضرر و آسیب رسانده است. در حقیقت، عدم آشنایی با برخی از مسایل حقوق شهروندی، باعث بروز آسیب‌هایی در میان دانش‌آموختگان مورد مصاحبه شده است که می‌توان به آسیب روحی و روانی اشاره کرد. برخی هم به علت نداشتن آگاهی از مواد منشور حقوق شهروندی مثل حق رفاه و کیفیت زندگی، یا حق حفظ حریم شخصی، مجبور به تحمل غیر منطقی رفتار اطرافیان شده‌اند. خسارت مالی نیز به دلیل عدم آگاهی

از قوانین برگزاری کلاس‌های فوق‌برنامه و همچنین عدم‌آشنایی با قوانین راهنمایی و رانندگی و مواد منشور حقوق شهروندی وارد شده است. یک مورد بازداشت و دریافت تذکر هم به خاطر عدم اطلاع از قوانین عمومی و مذهبی وجود داشته است.

سوال دوم پژوهش: دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان در زمینه حقوق شهروندی چه نگرش‌هایی دارند؟

برای پاسخ به این سوال پژوهش، از ۲ سوال مصاحبه به این شرح استفاده شد: "آیا غیر از مدرسه، عضو گروه یا تشکل‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و ... دیگری هستید؟ خاطره‌ای در این زمینه بیان کنید" و نیز "تجارب خود در زمینه‌ی مشارکت در امور سیاسی؛ چه در محیط واقعی و چه در فضای مجازی را بگویید". یافته‌های پژوهش در این بخش در ۲ مؤلفه اصلی عضویت در گروه‌ها و تمایل به مشارکت سیاسی دسته‌بندی شدند که در شکل ۵ نشان داده شده است:

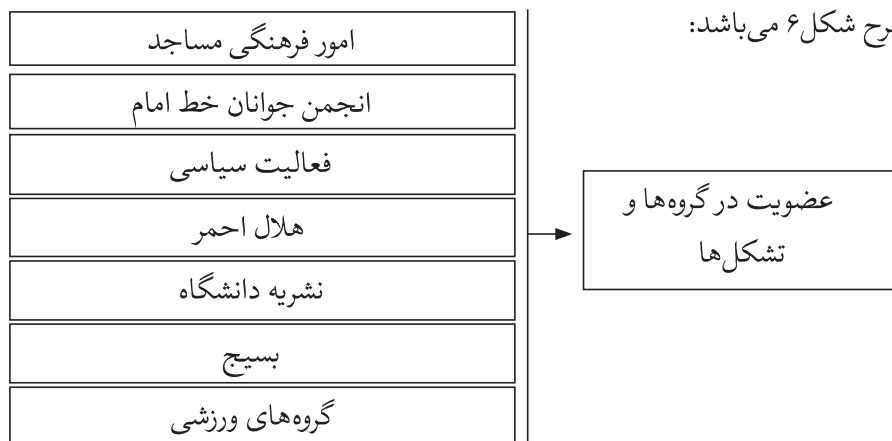


شکل ۵. نگرش حقوق شهروندی (مؤلفین)

۳- عضویت و فعالیت در گروه‌ها و تشکل‌ها

مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها در این مضمون اصلی، دارای ۷ مضمون فرعی به

شرح شکل ۶ می‌باشد:



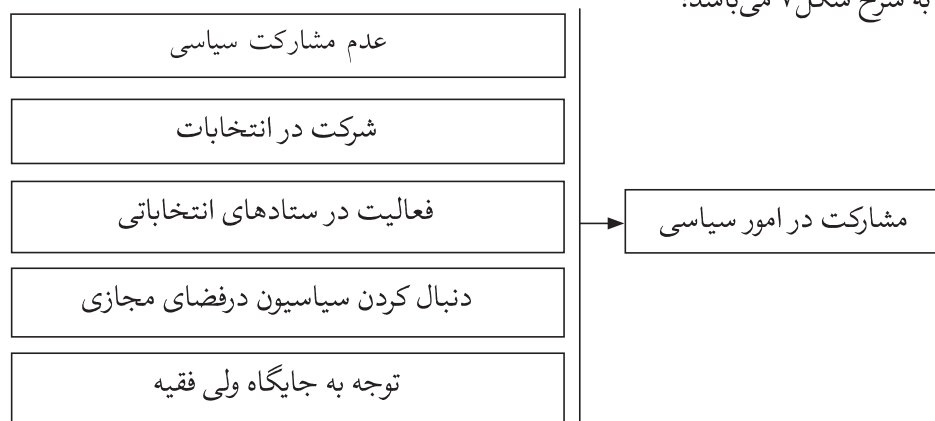
شکل ۶. عضویت در گروه‌ها و تشکل‌ها (مؤلفین)

در این قسمت، نتایج مصاحبه‌ها نشان داد که از جمله تشکلهای و گروه‌هایی که دانش‌آموختگان در آنها عضویت داشته‌اند می‌توان به بسیج، امور فرهنگی مسجد محل، گروه‌های ورزشی، انجمن جوانان خط امام، فعالیت سیاسی، هلال احمر و نشریه دانشگاه اشاره کرد. در این رابطه مشارکت‌کننده ۱ چنین بیان کرد: «در گروه کوهنوردی عضو هستم و به جرأت می‌توانم بگویم این گروه یکی از گروه‌هایی است که بسیار می‌تواند به حقوق شهروندی و گسترش رفتار مناسب اجتماعی کمک کند. در این گروه رقابت را به کسی یاد نمی‌دهیم بلکه مشارکت و کمک را یاد می‌دهیم. آنهایی می‌توانند سرپرست بشوند که محبوبیت بیشتری بین افراد داشته باشند، مورد قبول افراد دیگر باشند.»

۴- مشارکت در امور سیاسی

مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها در این مضمون اصلی، دارای ۵ مضمون فرعی

به شرح شکل ۷ می‌باشد:

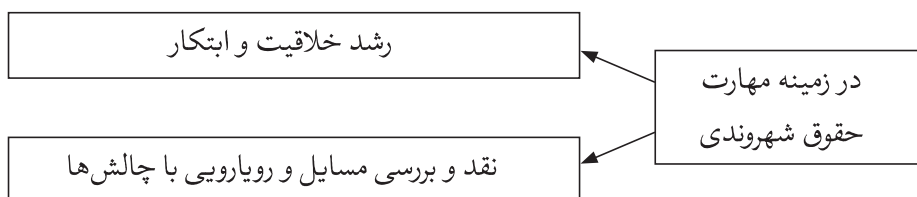


شکل ۷. مشارکت در امور سیاسی (مؤلفین)

در این قسمت، یعنی مشارکت سیاسی، نیمی از مشارکت‌کنندگان به طور صریح اعلام کردند که تمایل خاصی برای مشارکت در امور سیاسی ندارند و اکثریت آنها تنها تجربه سیاسی خود را شرکت در انتخابات گفته‌اند. تعداد کمی بودند که علاقه‌مند به شرکت در بحث‌های انجمن جوانان خط امام بوده‌اند، یا از ولی فقیه در برابر سیاست‌های مخرب به دفاع پرداخته‌اند، یا این‌که به صورت منفعلانه دنبال‌کننده نظریات همسوی سیاسیونی هستند که خط فکری یکسانی با خودشان دارند. عدم تحمل آنها به هنگام ابراز برخی از انتقادات و افکار سیاسی، بعضاً باعث شده حتی آنهایی هم که قبلاً مشارکت بیشتری در امور سیاسی داشته‌اند، از امور سیاسی کناره‌گیری کنند.

سوال سوم پژوهش: دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان در زمینه حقوق شهروندی چه مهارت‌هایی دارند؟

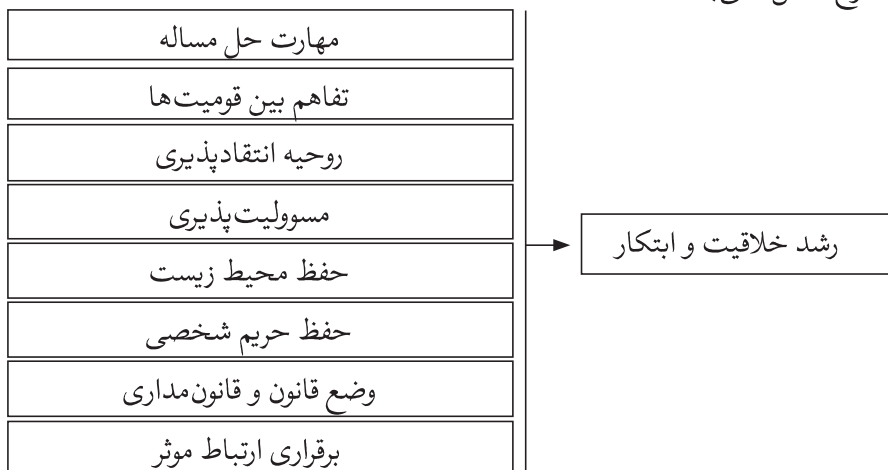
برای پاسخ به این سوال پژوهش، از ۲ سوال مصاحبه به این شرح استفاده شد: "به عنوان یک معلم، تجربه‌ای از اجرا و هدایت فعالیت مبتکرانه به منظور گسترش حقوق شهروندی در کلاس یا مدرسه را بیان کنید" و نیز "در یکی از موضوعات زیر، اگر خاطره یا تجربه‌ای قابل توجه دارید بیان کنید: نقد مسایلی که در آن تخصص و تسلط دارید / انتقادپذیری / واکنش نسبت به موقعیت‌ها و چالش‌های اجتماعی". یافته‌های پژوهش در این بخش، در ۲ مؤلفه اصلی رشد خلاقیت و ابتکار، و نقد و بررسی مسایل و رویارویی با چالش‌ها دسته‌بندی گردید که در شکل ۸ نشان داده شده است:



شکل ۸. مهارت حقوق شهروندی (مؤلفین)

۵- رشد خلاقیت و ابتکار

مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها در این مضمون اصلی، دارای ۸ مضمون فرعی به شرح شکل ۹ می‌باشد:



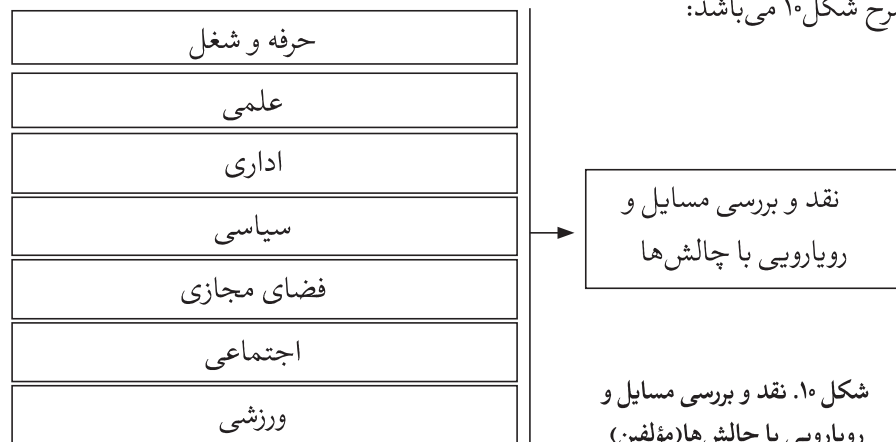
شکل ۹. رشد خلاقیت و ابتکار (مؤلفین)

در این قسمت، نتایج مصاحبه‌ها نشان داد که دانش‌آموختگان برای گسترش حقوق شهروندی در ابعاد مختلف آن مانند حفظ حریم شخصی، دوستی با یکدیگر، وضع قوانین کلاسی، ایجاد تفاهم بین قومیت‌ها، حفظ محیط زیست، افزایش حس مسؤولیت‌پذیری، پرورش قدرت حل مسأله، مشارکت در گروه، روحیه انتقادپذیری، و مهارت انتقاد صحیح، ابتکارات متفاوتی مانند ایفای نقش در نمایش، ساخت ماکت، پخش موسیقی، برگزاری کارگاه‌ها، بازدید و اردوها که همگی مرتبط با موضوع بوده‌اند، را ارایه داده‌اند. آن‌ها از موقعیت‌های عینی مناسب و پیش آمده به خوبی استفاده کرده‌اند و دانش‌آموزان را در موضوعات شهروندی درگیر کرده‌اند و آن‌ها را در این زمینه برانگیخته‌اند. برای مثال مشارکت‌کننده ۲ در این مورد چنین بیان کرد: «اخیراً باران خوبی گرفت، در حیاط مدرسه یک قسمت آبگیری درست شد که زنگ تفریح بچه‌ها می‌رفتند کنار آن می‌ایستادند و نگاه می‌کردند. صحنه زیبایی بود. زنگ آخر که همه به کلاس آمده بودند از پنجره دیدیم که آبگیر و اطراف آن پر از آشغال شده است. من از موقعیت پیش آمده استفاده کردم و برای بچه‌ها صحبت کردم وقتی کنار دریا یا در دامن طبیعت می‌روید هنگام برگشتن بهتر است زباله‌های خودمان و دیگران را جمع‌آوری کنیم. همین باعث ایجاد انگیزه و اشتیاق زیاد در آنها شد که بروند و آشغال‌های حیاط و اطراف آبگیر را جمع کنند و چهار نفر را از بین داوطلبان بسیار انتخاب کردم و با دادن دستکش و کیسه زباله رفتند زباله را جمع کردند و مدیر مدرسه هم که آنها را دیده بود مورد تشویقشان قرار داد و به آنها جوایزی دادند».

۶. نقد و بررسی مسائل و رویارویی با چالش‌ها

مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها در این مضمون اصلی، دارای ۷ مضمون فرعی به

شرح شکل ۱۰ می‌باشد:



در این قسمت، یعنی نقد و بررسی چالش‌ها، نتایج مصاحبه‌ها نشان داد که دانش‌آموختگان، نقد و بررسی‌های خود را بیشتر در زمینه حرفه و شغل معلمی ابراز داشته‌اند. پس از آن، موضوعات علمی، اجتماعی، ورزشی، فضای مجازی و سیاسی را به چالش و بررسی کشانده‌اند. مشارکت‌کننده ۳ در این باره گفته است: «اوایل تدریس، یک روز رییس اداره بدون هماهنگی به مدرسه‌ی ما آمد و پس از بازدید، شروع به سخنرانی و نصیحت معلمان جدید کرد. بعد از اتمام صحبت ایشان بنده در کمال احترام از ایشان نقد کردم و به مشکلات موجود در مدرسه و بعضاً اداره پرداختم و از اینکه ایشان با دقت گوش می‌دادند و حتی از بنده تشکر کردند و بعضی از موارد را ترتیب اثر دادند، من واقعاً غافلگیر و خوشحال شدم.»

بحث و نتیجه‌گیری

معلم اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین مؤلفه تعلیم و تربیت و بنیادی‌ترین عنصر تحول‌آفرین است. ارتقای سطح دانش، نگرش و مهارت معلمان چه در بعد تخصص حرفه‌ای تدریس و چه در بعد رفتاری، می‌تواند بر جنبه الگویی او مؤثر واقع شود. خود معلم است که با رفتارش اعتماد و احترام را فراهم می‌آورد. اخلاق، رفتار و تعهدات فردای دانش‌آموزان، مرهون رفتارهای به‌جای معلمین امروز است. پس این رسالت را باید به نیکی بشناسیم و به کار گیریم. در بررسی پرسش اول پژوهش، یافته‌ها در دو مؤلفه اصلی فرصت‌ها و آسیب‌های ناشی از شناخت یا عدم شناخت دسته‌بندی شدند. در ارتباط با مؤلفه فرصت‌ها، نتایج نشان داد که مواردی چون شناخت مواد منشور حقوق شهروندی و دانش نسبت به وظایف کاری خود، شناخت قوانین موجود، انجام وظیفه در چارچوب کاری، اطلاع و احترام به حقوق دیگران، بکارگیری سخنان منطقی و مستدل، و انتقادپذیری، از جمله آگاهی‌های افراد نسبت به حقوق شهروندی بوده که در مواد مختلف به آن‌ها یاری رسانده است. در ارتباط با مؤلفه آسیب‌های ناشی از عدم شناخت حقوق شهروندی، نتایج نشان داد که مواردی چون عدم اطلاع از قوانین موجود، عدم اطلاع از حقوق خود، عدم توانایی دفاع از حق خود، عدم رعایت حقوق دیگران، و عدم توانایی مقابله با متخلف، از جمله موارد عدم شناخت حقوق شهروندی بوده است.

در بررسی پرسش دوم پژوهش، یافته‌های پژوهش در دو مؤلفه اصلی عضویت در گروه‌ها و

تمایل به مشارکت سیاسی دسته‌بندی شدند. در ارتباط با مؤلفه‌ی عضویت و فعالیت در گروه‌ها و تشکل‌ها، نتایج نشان داد که بسیج، امور فرهنگی مسجد محل، گروه‌های ورزشی، انجمن جوانان خط امام، هلال احمر و نشریه دانشگاه از جمله تشکل‌ها و گروه‌هایی است که دانش‌آموختگان در آنها عضویت داشته‌اند. در ارتباط با مؤلفه‌ی مشارکت در امور سیاسی، نتایج نشان داد که نیمی از مشارکت‌کنندگان تمایل خاصی برای مشارکت در امور سیاسی ندارند.

در بررسی پرسش سوم پژوهش، یافته‌های پژوهش در دو مؤلفه اصلی رشد خلاقیت و ابتکار، و نقد و بررسی مسایل و رویارویی با چالش‌ها دسته‌بندی شدند. در ارتباط با مؤلفه رشد خلاقیت و ابتکار، نتایج نشان داد که دانش‌آموختگان برای گسترش حقوق شهروندی در ابعاد مختلف فعالیت داشته‌اند. در ارتباط با مؤلفه نقد و بررسی چالش‌ها، نتایج نشان داد که دانش‌آموختگان تمایل به نقد و بررسی حرفه خود دارند.

در پژوهش حاضر، نکته قابل توجهی که پس از بررسی محتوای مصاحبه‌ها دریافت می‌شود این است که اغلب دانش‌آموختگان، با وجود اطلاعات و آگاهی‌هایی که در زمینه‌های مختلف حقوق شهروندی داشتند و توانسته‌اند ابتکارات قابل توجهی برای گسترش حقوق شهروندی در کلاس درس خود ارائه دهند، و نیز در تشکل‌های متفاوتی از جمله بسیج و بعضاً انجمن‌های دانشجویی خط امام و نشریات دانشگاهی فعالیت داشته‌اند، ولی وقتی به بحث امور سیاسی و مشارکت سیاسی می‌رسیم مشاهده می‌کنیم اغلب تمایل به سیاسی‌بودن یا مشارکت سیاسی ندارند. حداکثر تلاش آن‌ها در حوزه سیاسی شرکت در انتخابات می‌باشد و اگر هم نظرات سیاسی را پیگیری می‌کنند کاملاً منفعلانه بوده و فقط یک حزب را به طور غیرمشارکت‌جویانه دنبال می‌کنند. یا اینکه اگر در گذشته فعالیتی سیاسی داشته‌اند و در بحث‌های سیاسی فعالانه مشارکت می‌کرده‌اند، پس از آن که مورد نقد واقع شده‌اند از سیاست کناره‌گیری کرده و سکوت و عدم فعالیت را برای خود انتخاب نموده‌اند و ترجیح داده‌اند بیشتر در امور فرهنگی یا ورزشی و ... فعالیت داشته باشند. تعدادی هم این‌گونه توجیه کرده‌اند که عدم مشارکت، به خاطر نداشتن تخصص و اطلاعات کافی در زمینه سیاسی بوده است. این یافته پژوهشی با یافته‌های پژوهش نوری‌زاده (۱۳۹۲)، توسلی (۱۳۹۲) و حبشی (۱۳۹۰) همسویی دارد. آنان نیز در تحقیق خود نشان دادند که میزان مشارکت سیاسی و نیز میزان حضور افراد در عرصه

عمومی، در سطح پایینی قرار دارد. با توجه به این‌که یکی از ساحت‌های اساسی تربیت، تربیت سیاسی اجتماعی می‌باشد و معلم در زمینه‌سازی آن نقش کلیدی دارد، ارتقاء سطح اجتماعی و سیاسی خود معلم از اولویت‌های این ساحت تربیت محسوب می‌شود. معلمی که وظیفه پرورش و تربیت دانش‌آموزان را بر عهده دارد و خود هیچ‌گونه اطلاعات و مشارکت فعالانه و مؤثری در امور سیاسی ندارد، پس چگونه خواهد توانست به تربیت دانش‌آموزان در بعد سیاسی بپردازد و آن‌ها را آن‌گونه که شایسته است نسبت به امور سیاسی و چگونگی مشارکت فعال و مؤثر در آن امور برانگیزاند. بدون شک اگر آگاهی بخشی در هر زمینه‌ای از سوی نهاد آموزش و پرورش کم‌رنگ شود، دیگر منابع اطلاعاتی نامعتبر و حتی مخرب یا ناصحیح، روح تشنه دانش‌آموزان را در این زمینه سیراب خواهد کرد و بینش و نگرش آن‌ها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. با توجه به یافته‌های به دست آمده از این پژوهش، انجام پژوهش‌هایی در خصوص تأثیر مهارت معلمان در زمینه حقوق شهروندی بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان و نیز عوامل مؤثر بر آگاهی، نگرش و مهارت حقوق شهروندی دانش‌آموختگان پیشنهاد می‌شود.

منابع

- توسلی، ل. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی (با مطالعه دانشجویان دانشگاه‌های خرم‌آباد). (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه پیام نور، تهران. حبشی، س. (۱۳۹۹). بررسی نگرش زنان به حقوق و تکالیف شهروندی (آگاهی و نگرش جنسیتی زنان شهر کرمانشاه). تهران: ابتکار قلم.
- رشیدی زاده، ا. (۱۳۹۵). بررسی میزان پایبندی به تکالیف شهروندی و عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر آن در بین شهروندان ۱۸۶۰ ساله شهری یاسوج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج.
- رمضانی، ا.؛ یحیی زاده فر، م.؛ و شیرخدایی، م. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر رفتار شهروندی سازمانی بر عملکرد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی: مورد مطالعه دانشگاه مازنداران. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، ۵(۲)، ۵۱-۷۵.
- روشنی‌پسند، ا. (۱۳۹۳). تأثیر جو اجتماعی مدارس بر تربیت شهروندی در تعامل با طبقه اجتماعی-اقتصادی و پایه‌های تحصیلی دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه شهرهمدان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز.
- زارع چهارراهی، ح. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای برنامه درسی فناوری پایه ششم و هفتم از منظر مولفه‌های شهروند الکترونیک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- سعدی، ش. (۱۳۹۵). تحلیل محتوای کتب مطالعات علوم اجتماعی دوره اول متوسطه بر اساس میزان توجه به مولفه‌های شهروندی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- عبداللهی، ق. (۱۳۹۳). بررسی میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه یزد از حقوق و وظایف شهروندی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد.
- فتحی و اجارگاه، ک.؛ و واحد چوکده، س. (۱۳۸۸). آموزش شهروندی در مدارس. نشر آیین.
- فزونی‌شهره‌جینی، رضا؛ پیری، موسی و اسدیان، سیروس (۱۳۹۵). چالش‌های برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی در تربیت شهروندی-اجتماعی بر اساس مدل تایلر. فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی ۴(۷)، ۵۵-۸۰.
- منافی شرف‌آباد، ک.؛ زمانی، ا.؛ و مهدویخواه، ع. (۱۳۹۲). تربیت شهروندی، تهران: انتشارات سبز رایانگستر.
- میر، م. (۱۳۹۲). عرفان اسلامی و دلالت‌های آن برای تربیت شهروندی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- نوری‌زاده، م. (۱۳۹۲). بررسی میزان برخورداری شهروندان تهرانی از آگاهی نسبت به حقوق شهروندی و عوامل مرتبط (منطقه ۱۹ تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم.